

«آلینا»، دختر فیدل کاسترو است، اما رئیس کشور کوبا نسبت به وی چندان احساس خوشی ندارد. آلینا فرناندز، متولد سال ۱۹۵۶ [۱۳۳۵] مدتها بود که می‌خواست کشور پدرش را ترک گوید، اما درخواستهای وی برای ترک کوبا از راههای قانونی، همواره از جانب پدرش با امتناع مواجه شد. او در کریسمس ۱۹۹۳ [۱۳۷۲] سرانجام موفق شد به اسپانیا بگریزد. وی در حال حاضر در نیویورک و مادرید به سر می‌برد. اکنون دست به نگارش کتابی زده که در آن به شرح و توصیف کادر رهبری دیکتاتور کمونیستی [در کوبا] پرداخته است. در زیر پرسشهای زوددوپیچه سایتونگ از آلینا فرناندز و پاسخهای او بدین نشریه را می‌خوانید:

آیا کتاب شما را می‌توان یک نوع تسویه حساب با پدرتان به حساب آورد؟

آلینا: یک تسویه حساب؟ خیر. انسانها آزادند که موافق و یا مخالف فیدل کاسترو باشند. درباره روابطم با فیدل باید بگویم که این روابط بیشتر دچار افت و خیز و تنش بوده است. قصد این کتاب روشن ساختن این نکته است که طی ۴۰ سال در کوبا چه بر سر انسانها آمده است. این نکته جالب است که در کودکی مجذوب کاسترو بودید و «ناتالیا رولقا» - مادرتان - را مجبور می‌کردید با او تماس بگیرید. چگونه بعدها با وی به مجادله پرداختید؟

آلینا: در حقیقت تماس برقرار نشد. هنگامی که دریافتم او پدر من است من و مادر در وضعی بودیم که ترجیح می‌دادیم مردی را در خانه داشته باشیم تا دیگر مجبور به کار کردن نشویم. اما به

سرعت دریافتیم که در مورد وی برداشت و انتظار من درست نیست. البته درگیری‌ای در این میان وجود نداشت و حالت به وجود آمده را بیشتر باید یأس و نومییدی نامید.

آیا کاسترو یک دیکتاتور فاقد زندگی خانوادگی است؟ آیا هیچ گاه نگران حال فرزندانش نبوده و یا به شما به عنوان تنها دخترش فکر نکرده است؟

آلینا: با من زندگی خانوادگی نداشت. شاید اوضاع در مورد پنج پسر وی به گونه دیگری باشد.

آیا با مادرتان در هاوانا تماس دارید؟

آلینا: بله با یکدیگر تلفنی صحبت کرده و نامه رد و بدل می‌کنیم.

آیا احساس می‌کنید مادرتان (که هنوز مانند گذشته طرفدار کاسترو است) خود را یک زن انقلابی به حساب می‌آورد؟

آلینا: نمی‌دانم که در آن سن و سال انسان می‌تواند هنوز انقلابی باشد یا خیر. به نظر من انقلاب بسیار کهنه شده. یک انقلاب چهل ساله، امری غیرقابل تصور است. اما هنوز نسلی در کوبا وجود دارد که این انقلاب را انجام داده و فکر می‌کند که بار دیگر شکوفا می‌گردد. اگر از بیرون بدان نگاه کنیم همزمان مضحک و غم‌انگیز می‌نماید. آنچه کوبا انجام داده یا می‌خواست انجام دهد، گسترش ایدئولوژی آن [انقلاب] به نیمی از جهان بود. کوبا در آمریکای لاتین، آفریقا و کشورهای عربی دست به جنگ زد. که [اهداف و نتایج آن] تقریباً غیرقابل درک است، اما هیچ کس نمی‌خواهد این مسایل را ریشه‌یابی کند و همه تقصیرها را متوجه تحریمهای آمریکا، به علت هرج و مرج اقتصادی که در کوبا برپا کرد، می‌کنند. درحالی‌که خود کوبا کاری در جهت تغییر اوضاع انجام نداده است.

شما در حال حاضر در اسپانیا و آمریکا زندگی می‌کنید. قبل از هر چیز رفتار مردم در اسپانیا که هنوز تمایل فراوانی به کوبا دارند و بسیاری از چینیهایی آنجا که هنوز طرفدار فیدل کاسترو هستند، با شما چگونه است؟

آلینا: در آنجا بسیاری از مردم معتقدند که من دلایل بسیار زیادی جهت انتقامجویی دارم. آنها به کسی فرصت توجیه کارهایش را نمی‌دهند. اسپانیا در زمره کشورهایی است که در آنجا دستگاه تبلیغاتی کوبا به خوبی عمل می‌کند. هنگامی که کسی در تبعید می‌نویسد و یا می‌خواهد نطقی ایراد کند، سفارت کوبا دست به تعرض می‌زند. مقصودم این است که در این باره که از کدام جهت یک رفتار آشتی جویانه صورت می‌گیرد جای شکی وجود ندارد. در مقابل درک نمی‌کنم که چگونه دیگران هنوز از دیکتاتور دفاع می‌کنند.

طبق برداشت شما آینده این دیکتاتوری چگونه است؟

آلینا: فکر می‌کنم با فیدل به پایان برسد. چنانچه به خشونت توسل جویند، عمر دیکتاتوری



● فیدل کاسترو

می تواند قدری بیشتر به درازا انجامد، اما نه چندان زیاد. زیرا معتقدم در حال حاضر همه کشورها به سوی دموکراسی گام برمی دارند. در کوبا یک طبقه حاکم وجود دارد که پایان عمر آن دیر یا زود فرا می رسد. شاید اتفاقی نظیر اروپای شرقی در آنجا رخ دهد، یا برای مثال اوضاعی همچون روسیه، یعنی جایی که یک مافیا در کادر رهبری آن به وجود آمده است.

شما مطمئناً «رائول کاسترو» را می شناسید، او عموی شماست. نقش امروزی و آینده وی چیست؟

آلینا: رائول را همواره یک مرد خشن و خونخوار به حساب آورده اند و این عجیب است. افراد کمی همانند «رائول» در کوبا این چنین مورد تنفر هستند. در اوایل انقلاب به اتفاق «چه گوارا» مشترکاً رهبری اعدامها را بر عهده داشتند. افرادی هستند که امروزه هنوز معتقدند رائول از فیدل بدتر است. نمی دانم که این امر صحت دارد یا خیر. من فقط نظر بسیاری از کوباییها را منعکس ساختم. در هر حال رائول کاسترو مردی نیست که جذابیتی همانند برادرش داشته باشد. او فردی نامحبوب است.

بنابراین شخصیتی دیگر که قابل ذکر باشد [برای جانشینی فیدل کاسترو] وجود ندارد، شاید «کارلوس لاسه» وزیر اقتصاد کاسترو را بتوان در این زمره برشمرد. آلینا: او خیلی مغرور است و همانند «روباینا» وزیر امور خارجه است.

مساعی اسپانیا جهت بهبود روابط با کوبا و همچنین دیدار رسمی خوان کارلوس پادشاه از آن کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

آلینا: در اصل، همان کار بی‌معنایی است که آمریکاییها در چین کردند. عده‌ای معتقدند که تحول اقتصادی تغییر سیاسی را به همراه خواهد داشت. اما اوضاع نه در چین و نه در کوبا بدین گونه نیست. من معتقدم که پشت چنین کوششهایی در کوبا قبل از هر چیز منافع هتل داران نهفته و این نیتی بسیار بد است زیرا کارمندان کوبایی از آنها فقط دستمزد ناچیزی دریافت خواهند کرد. اگر قرار بود دستمزدها همانند اروپا تعیین شود هیچ‌کس در کوبا اقدام به تأسیس هتل نمی‌کرد. کارگران کوبایی در مقایسه با جهانگردان آدمهایی هستند که در محیطی که مقررات آپارتمان بر آن حکومت می‌کند زندگی می‌کنند. با هم وطنانمان مانند بردگان رفتار می‌شود. تمام اینها به منزله یک بی‌وجدانی غیرقابل تصور است.

